

بررسی بن‌مایه‌های همگون ادبیات پایداری در شعر احمد رامی و سید اشرف‌الدین گیلانی

رضا موسی‌آبادی^{*۱}

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

مهدی نوروز^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

بتول فخراسلام^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نیشابور

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۱۲)

چکیده

احمد رامی و سید اشرف‌الدین گیلانی از شاعران نوگرای معاصر در نهضت عربی مصر و انقلاب مشروطه ایران و هر دو مربوط به یک دوره هستند که پرداختن به جلوه‌های ادبیات پایداری از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر آنان است. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و براساس ادبیات تطبیقی، تشابه و تفاوت اندیشه‌های احمد رامی و نسیم شمال را در به‌کارگیری عناصر ادبیات پایداری در اشعارشان، مورد بررسی قرار می‌دهد. از نتایج مهم این پژوهش اینکه میهن‌پرستی، آزادی‌خواهی، یادکرد از قهرمانان ملی، امید به آینده روشن، دعوت به مبارزه و فراخوانی به اتحاد و یکپارچگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک ادب پایداری در اشعارشان می‌باشد و هر دو شاعر نسبت به اوضاع جامعه و مسائل جاری کشور ابراز نگرانی شدید نموده و آنان را نکوهش کرده‌اند؛ ولی در انتقاد و شکایت از ظلم و ستم حاکمان و استعمارگران، زبان نسیم شمال تند و صریح‌تر، گویاتر و گزنده‌تر از احمد رامی است. همچنین، نسیم شمال در بهره‌بردن از نمادها در شعر، نسبت به رامی تبحر بیشتری دارد و غالباً پیام‌های شعری خود را برخلاف رامی که با کنایه سخن می‌گوید، به‌صراحت بیان نموده است.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، بن‌مایه، نسیم شمال، احمد رامی.

* نویسنده مسئول: rezamoosabady@yahoo.com

۱. مقدمه

۱-۱. تعریف موضوع

ادبیات، آینه‌ای است که تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در هر دوره در آن منعکس است. نگاهی به تاریخ پرفرازونشیب ایران و مصر به‌خوبی نشان‌دهنده تحولات گسترده‌ای است که در پیکره سیاسی و اجتماعی این سرزمین‌های دیرینه‌سال رخ داده و منجر به شکل‌گیری مقاومت‌های مردمی در برابر تجاوز اقوام بیگانه شده است. مقاومت‌هایی که شالوده فرهنگی آن‌ها به تأثیر از جنگ‌های گوناگون، به آثار ادبی ایرانیان و مصریان راه یافته و منجر به خلق آثار ارزشمندی در قالب‌های متنوع و به‌منظور ایجاد و پاسداشت روحیه پایداری در میان مردم گشته است؛ چنانچه برخی از شاعران این عرصه، با تکیه بر نگاهی فطرت‌گرایانه، بر این باورند که: «ادبیات پایداری نوعی از ادبیات متعهد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه حیات معنوی و مادی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید» (بصیری، ۱۳۸۴: ۹۰). خاستگاه این نوع رویکرد به ادب پایداری را شاید بتوان به تأثیر برخی از جریان‌های ادبی غرب، به‌ویژه جریان شعر متعهد و صدور نظریه سارتر، نسبت داد: «ما می‌خواهیم در تغییر دادن جامعه‌ای که ما را در میان گرفته است، شرکت کنیم. ما می‌خواهیم ادبیات، وظیفه اجتماعی خود را که هرگز نباید فرومی‌گذاشت، دوباره به عهده گیرد» (نجفی، ۱۳۵۶: ۵۴). همچنین، سارتر معتقد است «نویسنده ملتزم می‌داند که سخن، همانا عمل است و می‌داند که آشکار کردن، تغییر دادن است» (سارتر، ۱۳۴۸: ۴۲). مقاومت و پایداری یکی از ویژگی‌های غریزی و درونی است. با نگاهی به سیر تکاملی بشر از ابتدا تاکنون، با جرئت و قاطعیت می‌توان گفت که مقاومت و پایداری، همواره با انسان عجین بوده است. ایستادگی در برابر قوه قهریه طبیعت نیز نمونه‌ای از همین مضمون است. ادبیات پایداری به‌عنوان یکی از انواع ادبی، از دیرباز بنا بر حوادث و شرایط اجتماعی و سیاسی ملل مختلف، بازگوکننده آمال و امیدهای مردمی بوده است که آزادی و هویت خود را زیر پای ظلم و بیداد، پایمال شده می‌دیده‌اند؛ از این رو، این گونه ادبی همواره از صادق‌ترین و صریح‌ترین انواع ادبی بوده و بررسی آن می‌تواند بازگوکننده ابعاد دیگر روح جمعی ملل مختلف باشد. ادبیات مقاومت و پایداری که از شاخه‌های ادبیات التزام و تعهد است، به مجموعه آثاری اطلاق شده که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق، استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب و غارت سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و... شکل می‌گیرد؛ بنابراین، جان‌مایه این آثار مبارزه با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است (حسام‌پور و حاجبی، ۱۳۸۷: ۱۲۱). ادبیات مقاومت مقابله با همه اشکال استعمار و ظلم است که در آن، سخن در جایگاه سلاح و تفنگ قرار می‌گیرد و این در حالی است که تأثیر سلاح و تفنگ محدود به عرصه جنگ است؛ اما تأثیر سخن ادبیات مقاومت، پیوسته ادامه دارد (الحسین، ۱۹۷۲: ۱۲). همچنین، این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر، همواره به‌مثابه ابزار و سلاحی بازدارنده رخ نموده و موجبات احیای تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. «اصطلاح ادبیات پایداری را اولین بار، غسان کنفانی فلسطینی بر مجموعه‌ای از اشعار خود و دیگر شاعران معاصر گذاشت» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۶). این نوع ادبیات به شرح مبارزه، مقاومت و ازجان‌گذشتگی برای به‌دست آوردن آزادی و از بین بردن جور و ستم و دفاع از فرهنگ و سنت قومی و باورهای مردم آن سرزمین می‌پردازد (محسنی‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۸). خاستگاه این نوع از توجه به ادبیات پایداری را نیز شاید بتوان از عصر مشروطه به‌بعد دانست. «ادب پایداری به آن مفهومی که امروزه بیشتر مورد نظر دانشمندان علوم اجتماعی و ادبی قرار دارد، همان مفهوم مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم، ضد ظلم و بیدادگری است که در ادبیات ایران سرآغاز آن را از دوره مشروطیت دانسته‌اند»

۲-۱. بیان مسئله

شرایط اجتماعی و سیاسی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم و رخداد‌های این دوره باعث شد تا شعر فارسی و عربی به سمت مسائل اجتماعی و سیاسی گرایش پیدا کند. از جمله مسائل مهمی که بخش زیادی از محتوای شعر این دوره را به خود اختصاص داد، ادبیات پایداری و مؤلفه‌های آن بود. ادب پایداری و ملی‌گرایی، چه در ایران و چه در بسیاری از جوامع جهان سوم و کشورهای عربی، تا اندازه‌ی زیادی محصول استعمار بود. هرچند سیاست استعمار و ترویج آن برای ایجاد تفرقه و تجزیه در میان کشورهای مسلمان بود، اما با وجود عناصر و مؤلفه‌های ادبیات مقاومت، در بسیاری از کشورها به ابزاری ضد استعمار تبدیل شد. بارزترین دوران ادب پایداری در ایران تا عصر انقلاب اسلامی، عصر مشروطه است. در این دوره، گونه‌های مختلف ادبیات چون داستان، شعر، طنز، تصنیف و نمایش‌نامه، عرصه‌ستیز با بیدادگری حکومت، رخوت‌زدگی جامعه، تبعیض و بی‌عدالتی، جهل و بی‌قانونی و گاه ستیز با مظاهر دینی و شعایر مذهبی است. اگر ویژگی آثار عصر مشروطه صراحت در بیان است، شاخص آثار این دوره به‌ویژه در قلمرو شعر، بهره‌گیری از نماد در انتقاد از جامعه فقیر، ویران، بیدادزده و لبریز از اختناق و سانسور است؛ از این‌روست که داستان‌ها، نمایش‌نامه‌ها و سروده‌های این دوره، همگی با زبانی نمادین از اوضاع دردناک و تیره ایران سخن می‌گویند. در کنار آثار روشن‌فکرانه این دوره که عمدتاً متأثر از اندیشه‌های مارکسیستی یا غربی هستند، نویسندگان و شاعران دینی برجسته‌ای را نیز می‌توان یافت که در حوزه شعر، داستان، نمایش‌نامه یا سایر گونه‌های ادبی، از فقدان آزادی و عدالت سخن گفته‌اند. با توجه به این حس عدالت‌خواهی و آزادی‌طلبی در عصر مشروطه و دوران نهضت عربی مصر، بررسی عناصر و مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیداشرف‌الدین حسینی، به‌عنوان یکی از شاعران برجسته عصر مشروطه و احمد رامی، شاعر بنام عصر نهضت عربی مصر، از ضروریات این پژوهش می‌باشد. در این پژوهش تلاش می‌شود با استفاده از روش توصیفی تحلیلی و براساس ادبیات تطبیقی، مهم‌ترین عناصر و مؤلفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار این دو شاعر عصر مشروطه در ایران و نهضت عربی در مصر مقایسه و تشابه و تفاوت دیدگاه‌های آنان را در برهه‌ی زمانی مورد نظر بیان نماید.

۳-۱. پیشینه تحقیق

درباره شخصیت و شعر احمد رامی و سیداشرف‌الدین حسینی، مقالات و پژوهش‌هایی صورت گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها چنین است:

مقاله «بازتاب مشروطیت در اشعار نسیم شمال و احمد شوقی»، صحرایی و نظری (مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۸، صص ۱۲۳ تا ۱۴۳) مشروطه‌خواهی را در شعر این دو شاعر بررسی نموده‌اند. مقاله «تصویر جامعه در اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی»، وارسته‌فر، دلشاد عامری و افشاری نادری (مجله پژوهشنامه فرهنگ و ادب، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، دوره ششم، ش ۱۰، صص ۳۷۲ تا ۳۹۴) به بررسی اوضاع اجتماعی در دیوان نسیم شمال پرداخته‌اند. مقاله «بررسی و تحلیل زیباشناسی کاربرد کنایه در شعر نسیم شمال»، سراج، رحیمیان‌پور و کریمی (مجله پژوهش‌های ادبی و بلاغی، زمستان ۱۳۹۴، ش ۱، دوره ۴) خفقان حاکم بر روزگار شاعر را دلیلی بر بسامد بالای آرایه ادبی کنایه در اشعار نسیم شمال معرفی کردند.

درباره احمد رامی، شاعر نهضت عربی در مصر، پژوهش کمتری انجام گرفته است. از آن جمله می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد رسولی در دانشگاه شهید مدنی آذربایجان (۱۳۹۱) با عنوان «بررسی حکمیات در دیوان احمد رامی»، که افکار و دیدگاه‌های این شاعر را در مورد حکمیات و مضامین اخلاقی آن همچون صبر و بردباری، اخلاص، ریا و... بیان نموده است، اشاره نمود. از آنجاکه تاکنون کتاب یا مقاله‌ای به صورت مجزا به بررسی عناصر و مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار نسیم شمال و احمد رامی نپرداخته است، واکاوی شاخصه‌های این نوع ادب در شعر این شاعران، از اهداف اصلی این مقاله بوده است.

۴-۱. ضرورت و اهمیت تحقیق

از آنجاکه ادبیات پایداری بسته به ویژگی‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی هر دوره و در هر برهه از زمان، مطابق شرایط و احوال همان زمان و در قالب‌های گوناگون، در شعر و نثر بزرگان ادبیات جلوه گر شده، این پژوهش با هدف نمایاندن جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیداشرف‌الدین حسینی، از شاعران عصر مشروطه در ایران و احمد رامی، از شاعران نهضت عربی در مصر، صورت گرفته است؛ زیرا مطالعه اشعار سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی از دیدگاه ادبیات پایداری می‌تواند در برانگیختن روح ادب پایداری و نیز آشناساختن مخاطبان، به ویژه ادب‌پژوهان و نسل جوان با پیام آن، نقش بسیار مهمی را ایفا نماید و زمینه‌های وحدت و همدلی را در میان جوامع اسلامی، مخصوصاً ملت ایران و مصر، بیش از پیش آشکار سازد و الگوهای ایثار، ایمان، شهامت و شجاعت را برای نسل کنونی معرفی نماید.

۵-۱. هدف و روش تحقیق

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کیفی است و در آن با استفاده از شیوه تحلیل محتوا و ادبیات تطبیقی، با هدف بررسی و مقایسه عناصر و مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر سیداشرف‌الدین حسینی، شاعر عصر مشروطه در ایران و احمد رامی، شاعر نهضت عربی در مصر، در تلاش است تا افق‌های جدیدی را در مقوله ادبیات مقاومت به روی خوانندگان و علاقه‌مندان به ادبیات پایداری بگشاید و نحوه تفکر و روش رویارویی هر دو شاعر با هریک از عناصر ادبیات مقاومت را به نمایش گذارد. دامنه و محدوده تحقیق نیز کلیات *جاودانه نسیم شمال* و دیوان شعر احمد رامی با عنوان *الأعمال الشعریة الکامله* می‌باشد؛ اما با توجه به بسامد بالای اشعار، سعی شده تا مهم‌ترین و برجسته‌ترین ابیات به‌عنوان شاهد مثال در مقاله ذکر گردد. در این پژوهش، نخست بسترهای اجتماعی و سیاسی جامعه هر دو شاعر واکاوی شده تا زمینه‌های پیدایش این پدیده روشن گردد؛ سپس چگونگی رویارویی شاعران در کاربرد هریک از عناصر ادبیات پایداری در اشعارشان مورد بررسی قرار می‌گیرد. در دهه اخیر، روش تحلیل محتوا در بسیاری از زمینه‌های تحقیقاتی به کار گرفته شده است. در این شیوه پژوهشگر با استفاده از مطالعه متن و بهره‌بردن از ابزارهای کمکی آن، به داده‌هایی دست می‌یابد و با استفاده از آن‌ها به اثبات یا رد فرضیه‌هایش می‌پردازد. در این مقاله نیز با استفاده از همین روش، ضمن مطالعه دیوان شعری سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی، مؤلفه‌ها و عناصر ادبیات پایداری در این اشعار مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۶-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

این پژوهش در تلاش است تا با بررسی عناصر و مؤلفه‌های ادبیات پایداری و مقاومت در دیوان اشعار سیداشرف‌الدین

حسینی شاعر عصر مشروطه در ایران و احمد رامی، شاعر نهضت عربی در مصر، به پرسش‌های اساسی زیر پاسخ دهد:

۱. نسیم شمال و احمد رامی چه شاخصه‌هایی از ادبیات پایداری و مقاومت را در اشعار خود گنجانده‌اند؟
۲. دو شاعر در بیان عناصر و مؤلفه‌های ادب پایداری در اشعارشان، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ این نوشتار با عنایت به پرسش‌های بالا، مبتنی بر این فرضیه‌هاست:
۱. وطن‌دوستی، آزادی‌خواهی، امید به آینده روشن، دعوت به مبارزه، دعوت به اتحاد و وحدت و یادکرد از مبارزان و آزادی‌خواهان از عناصر اصلی ادبیات پایداری در اشعار هر دو شاعر است.
۲. مؤلفه وطن‌دوستی، یادکرد از قهرمانان ملی و دعوت به مبارزه بیشترین بسامد را در میان اشعار هر دو شاعر دارد. هر دو شاعر نسبت به اوضاع جامعه و مسائل جاری کشور ابراز نگرانی شدید نموده و آنان را نکوهش کرده‌اند؛ ولی در انتقاد و شکایت از ظلم و ستم حاکمان و استعمارگران، زبان نسیم شمال تند و از زبان احمد رامی صریح‌تر و گویاتر و گزنده‌تر است.

۲. بحث

۲-۱. ادبیات پایداری و مقاومت

در سه دهه اخیر، درباره ادبیات پایداری مطالب بسیار زیادی نوشته شده است؛ اما اغلب به توصیف موضوع‌ها و ذکر کلیات اکتفا نموده‌اند. اگرچه ادبیات پایداری ریشه در گذشته‌های دورودراز دارد و تاریخ آن درحقیقت، همان تاریخ ادبیات جهان است، ولی در عصر جدید با به‌کارگیری ابزار و تکنیک‌های مدرن از سوی زیاده‌طلبان و جهان‌خواران نوین، تجاوز به ملت‌ها و سلب حقوق آن‌ها ابعاد گسترده‌تر و مخوف‌تری به خود گرفت؛ تا جایی که اصطلاح «ادبیات پایداری و متعهد» به‌عنوان شاخه جدیدی از ادبیات، در میان ملت‌های تحت ستم و افراد حق‌جو و آزادی‌خواه متداول گردید و آثار ادبی تازه‌ای با محوریت حق و حقوق مردم و فریاد حق‌طلبی و ستم‌گریزی آن‌ها و ستایش از مبارزان، به جهان ادبیات عرضه گردید.

استفاده از اصطلاح ادبیات پایداری از دیرباز معمول نبوده است. در غرب، سابقه بحث نظری در باب این موضوع به جنگ به‌اصطلاح جهانی دوم و رویدادهای پس از آن و در ایران به عصر مشروطه برمی‌گردد. در جهان عرب نیز برای اولین بار غسان کنفانی، نویسنده معاصر فلسطینی، نام مجموعه شعرها و داستان‌های شاعران و نویسندگان معاصر فلسطینی را «ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی» گذاشت و پس از آن، اصطلاح ادبیات پایداری رایج شد؛ «یعنی ادبیاتی که در پی آرمان فلسطین پدید آمد و صورت و معنای خود را از مفاهیم و اصطلاحات برخاسته از آن کسب نمود. بر این اساس، شعر پایداری فلسطین، شعری است که پس از آرمان فلسطین، همگام و همراه با مردم گام برداشت و به‌نوعی، تاریخ انقلاب فلسطین را به تصویر کشید» (میرقادی و کیانی، ۱۳۹۰: ۶۱۲).

جان‌مایه ادبیات پایداری در دو جنبه داخلی و خارجی یا بین‌المللی قابل جمع‌بندی است. توجیه حقانیت مردم، توصیف وضعیت موجود جامعه، ذکر آرمان‌های ملی و مردمی، ستایش فتوحات و بیان شجاعت مردم و قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی حاکمان، از ابعاد داخلی ادبیات پایداری است. در بُعد خارجی، جان‌مایه ادبیات پایداری اغلب به اموری برمی‌گردد که هویت و اصالت تاریخی مردم مقاوم را نشان می‌دهد: شجاعت در برابر اشغالگری، ایستادگی قهرمانانه در برابر بیداد خارجی

و استعمار سرمایه ملی، عکس‌العمل جدی و مناسب در مقابل بی‌اعتنایی به ارزش‌ها، سنت‌ها، اخلاق، آداب و رسوم قوم و تخریب و استحاله‌شناسنامه فکری اعتقادی آن‌ها، پافشاری بر اراده و عزت خود و درهم‌شکستن قید و قيود یأس و ناامیدی از پیروزی.

بر این اساس، ادبیات پایداری ظهور توانایی‌های جمعی و مقاومت آن‌ها در برابر هر آن چیزی که به جمع بی‌اعتناست و وزن آن را در معادلات سیاسی و اجتماعی نادیده می‌گیرد؛ لذا مفهوم پایداری یک ارزش تلقی می‌شود و در ژرف‌ساخت خود، نماد جلوه‌های مختلف درونی و بیرونی جامعه است (زرین کوب، ۱۳۷۵، ج ۱: ۴۲) که ادیب را ملزم می‌سازد تا هنر خود را در پی «ایجاد تغییر و تحول مناسب» (اسماعیل، ۱۹۶۳: ۳۷۴) جامعه و ملت خویش به کار گیرد و به او هشدار می‌دهد که میزان تعهد او با میزان توجه وی به مسائل مردمی سنجیده می‌شود (ضیف، ۱۳۸۸: ۱۳). خاستگاه چنین ادبیاتی اعماق قلب ادیب و پاسخ به انگیزه‌های درونی اوست و انتخاب، اقدام مثبت و آگاهی به مسئولیت و مشارکت آگاهانه اجتماعی (ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۱۳) از لوازم دیگر آن است.

۲-۲. سیداشرف‌الدین حسینی

اوضاع خاص سیاسی و اجتماعی عصر مشروطه سبب ظهور شاعرانی شد که مهم‌ترین مضامین شعری آن‌ها، اشعار وطنی و مهم‌ترین دغدغه‌شان، مبارزه با نیروهای مستبد داخلی و خارجی‌ای بود که استقلال و آزادی کشور را به مخاطره می‌افکندند. یکی از این شاعران آزادی‌خواه بنام، سیداشرف‌الدین حسینی ملقب به نسیم شمال است که اشعارش آکنده از اندیشه‌های وطن‌پرستانه است. سیداشرف‌الدین «از شاعران دوره مشروطیت است که در سال ۱۲۸۸ق/ ۱۸۷۰م در قزوین به دنیا آمد و پس از فراگرفتن علوم مقدماتی در قزوین، برای ادامه تحصیل به عراق رفت و مدتی در کربلا و نجف بود. سپس به ایران بازگشت و به فعالیت‌های سیاسی و ادبی خود ادامه داد و هفته‌نامه نسیم شمال را تأسیس کرد» (علی‌بابایی، ۱۳۸۴: ۵۴). اقامت در رشت و آغاز فعالیت‌های مطبوعاتی او در آن شهر، در پی صدور فرمان مشروطیت، سبب گردید که به گیلانی معروف شود. سیداشرف‌الدین حسینی که به شدت تحت تأثیر موج بیداری روشن‌فکران زمانه و اندیشه‌های آزادی‌خواهانه آنان قرار گرفته بود، نه ماه پیش از ابتدای استبداد صغیر (به توپ بسته شدن مجلس در جمادی‌الاول سال ۱۳۲۶ق)، روزنامه‌ای ادبی فکاهی را به نام نسیم شمال در شهر رشت منتشر کرد. به همین سبب، بعدها مدیر و نویسنده این روزنامه هم به نام نسیم شمال شهرت یافت. انتشار روزنامه نسیم شمال تا انحلال مجلس ادامه یافت و پس از آن توقیف شد (فخرائی، ۱۳۵۶: ۱۲۵). در سال ۱۳۲۷ق انتشار نسیم شمال از سر گرفته شد و از سال ۱۳۳۳ق در تهران منتشر شد (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵). نسیم شمال در عصری آلوده به ستم و حق‌کشی زندگی می‌کرد. او سعی نمود با قلم خویش، مردم را از خواب غفلت بیدار سازد؛ زیرا «دردآشنای زمانه خویش بود و قلمش را در این طریق و جانش را در این مسیر فرسود» (شیخ‌لووند، ۱۳۸۴: ۳۵۴). صداقت، سادگی بیان، صراحت و شهامت در مبارزه با استبداد، جهل و ریاکاری، از ویژگی‌های شعری و ادبی اوست. اگرچه اشعارش فاقد غنای ادبی و جوهر شعری لازم است، اما سادگی و صمیمیت آن که از عمق وجود شاعر جوشیده است، تا حدودی این کمبود را جبران کرده است (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۲۷). نسیم در شعرش کوشیده تا مسائل روز جامعه و جهان، روابط انسانی و انتقادهای سیاسی و اجتماعی مردم را که بیشتر با دست‌مایه طنز و هجو همراه است، فریاد زند. زبان شعری او «زبان و فرهنگ مردم درگیر در انقلاب بود» (شمس لنگرودی، ۱۳۷۰: ۳۸۰). اشعار نسیم اغلب سیاسی فکاهی و در دفاع از استقلال وطن و مقابله با استبداد، وطن‌فروشی، جهل، ریاکاری و بی‌فرهنگی است و بدین‌گونه، سال‌ها عشق و علاقه مردم آزادی‌خواه را به خود برانگیخت (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۲۷).

۳-۲. احمد رامی

احمد رامی، شاعر معاصر مصری، «در سال ۱۸۹۲م در خانواده‌ای باصل‌ونسب ناصریه، از قبیله زینب در قاهره چشم به جهان گشود. پدرش در آن هنگام پزشک بود و به هنر و ادبیات علاقه فراوان داشت؛ تا جایی که در خانه‌اش، هنرمندان را دعوت می‌کرد و پیوسته در خانه خود انجمن ادبی برپا می‌کرد» (نعمه‌احمد فؤاد، ۱۹۸۳: ۲)؛ هنگامی که پدرش از دانشکده پزشکی فارغ‌التحصیل شد، «پادشاه مصر (عباس) او را به جزیره طاشیوز اعزام کرد و آن زادگاه محمدعلی پاشا بود؛ جزیره‌ای که پر از گل‌ها و میوه‌ها و دریا و سواحل بود» (رامی، ۲۰۱۰: ۱۱). رامی از این بهشت وصف شده و زیبا برای ادامه تحصیل خارج شد و این شروع سال‌های غربتش بود. وی به فرانسه رفت و در آنجا وارد مدرسه زبان‌های شرقی برای یادگیری زبان‌های فرانسوی، انگلیسی و فارسی شد و بعد از آن، به دلیل علاقه فراوان به خیام، اقدام به ترجمه رباعیاتش کرد. «صالح جودت درباره وی می‌گوید: خداوند به رامی استعداد شعری بی‌نظیری بخشیده است. رامی در ترانه‌های عامیانه‌اش بیهوده سخن نمی‌گوید و بی‌شک یک پیام ادبی و ملی را دربردارد و آن پیام عواطف و احساسات عمومی را برمی‌انگیزاند و تصاویر زیبایی را خلق می‌کند. همچنین رامی، رهبر مدرسه تصنیف (ترانه) بود» (رامی، ۲۰۱۰: ۸). «از نظر جودت، رامی دارای سه گونه شعری است: ۱. شعر وجدانی (درونیات)؛ ۲. شعر عاطفی (احساسات)؛ ۳. شعر ملی و میهنی و همچنین ادب نمایشنامه‌نویسی که به پانزده نمایشنامه می‌رسد» (رامی، ۲۰۱۰: ۱۷). دیوان رامی نیز از پنج بخش تشکیل شده است: خواطر (افکار)؛ عواطف (احساسات)؛ رثاء (غم‌نامه)؛ آغان (ترانه‌ها)؛ مقطعات (قطعه‌ها). در پایان آن نیز رباعیات خیام که به زبان عربی ترجمه کرده، موجود است. از آنجا که در میان اعراب، دادن لقب در جامعه رایج بوده است، وی مشهور به شاعرالشباب (شاعر جوانان) بود و این حاکی از آن است که اشعارش جوان‌پسند است و به او شاعرالحب (شاعر عشق و دوستی) نیز می‌گفتند.

احمد رامی از آنجا که از شاعران رماتیک به شمار می‌آید، شعرش بیشتر مبتنی بر عاطفه و احساس بود و اشعارش پویایی و تازگی خاصی داشت و دارای تشبیهات قوی و استعارات تأثیرگذار است. مضامین شعری‌اش از جمله دنیا، صبر، خلق نیکو، قضا و قدر، دگرگونی روزگار، قناعت، ناامیدی، وطن، مرگ و تشویق به زندگی در حال است. او همچنین به سرودن اشعار میهنی علاقه فراوانی داشت. وی به سرودن اشعار عاشقانه نیز مشهور است. البته تا زمانی که أم کلثوم در قید حیات بود، از روحیه بالایی برخوردار بود؛ اما بعد از مرگ او دچار افسردگی شدیدی شد و بعد از آن به شعرهای رثاگونه گرایش پیدا کرد و نیز برای اینکه اشعارش بر مخاطب تأثیر بیشتری بگذارد، آن‌ها را به صورت عامیانه مصری می‌سرود.

۴-۲. بن‌مایه‌های همگون ادب پایداری در اشعار سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی

سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی به عنوان شاعران نوگرای معاصر و متعهد، شعر خویش را وسیله آزادی ملت خویش قرار داده‌اند. با عنایت به مطالب بیان‌شده، مهم‌ترین شاخصه‌های ادب پایداری در اشعار نسیم شمال و احمد رامی به شرح زیر بیان شده است.

۱-۴-۲. عشق به سرزمین مادری و ملی‌گرایی

یکی از درون‌مایه‌های مشترک شعر پایداری شاعران معاصر عصر مشروطه و بسیاری از شاعران نهضت عربی، عشق به وطن و وطن‌دوستی است که دست‌درازی قدرت‌های بزرگ به آن باعث تحریک احساسات ملی مردم علیه استعمار شد. «هر انسان آزاداندیش و میهن‌پرستی نسبت به سرنوشت سرزمین خود احساس تعهد و وظیفه می‌کند. شاعران در سروده‌های

میهنی، گاه از عشق خود به مام وطن سخن می گویند و گاه آمادگی خود را برای جان فشانی در راه آن یادآور می شوند» (حسنوند، ۱۳۹۴: ۸۵). وطن زادگاه و مکانی برای حفظ اموال، ناموس، عزت و شرف انسان است و به همین سبب، یکی از نشانه های خردمندان دلدادگی به وطن است. محبت به وطن در اسلام نیز مورد تأیید قرار گرفته است؛ چنان که از پیامبر (ص) روایت شده است: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيْمَانِ» (حر عاملی، بی تا، ج ۱: ۱۱). حضرت علی (ع) نیز عامل آبادی سرزمین ها را «عشق» به آن ها دانسته است: «عُمِرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۰۷؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵: ۴۵). سرزمین برای شاعر همه چیز است و وی وظیفه خویش می داند که با زبان خویش به دفاع از آن پرداخته و علاقه درونی خود را نمایان سازد. در ابیات زیر، نسیم شمال ناراحتی خویش را درباره وطن ابراز داشته است و آن را به سان یوسف (ع) دانسته که در دهان گرگ اجل، بی کس و تنها مانده است:

ای غرقه در هزار غم و ابتلا، وطن
ای یوسف عزیز دیار بلا، وطن
ای در دهان گرگِ اجل مبتلا، وطن
قربانیان تو همه گلگون قبا، وطن
بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن
(حسینی، ۱۳۶۵: ۴۷-۴۶)

او اغلب از وطن با واژه «مادر» یاد می کند و غم و اندوه خویش را از غارت شدن اموال و سرمایه ملی بیان کرده است و به دلیل این مصیبت، همه به ویژه نوجوانان کشور را ماتم زده دانسته، وطن را بی یار و یاور می داند:

عریان ز چیست پیکرت ای مادر عزیز؟
شد خاک تیره بسترت ای مادر عزیز!
کو لعل و گنج گوهرت، ای مادر عزیز؟
نوباوگان تو ز غمت در عزا، وطن
بی کس وطن، غریب وطن، بینوا وطن
(حسینی، ۱۳۶۵: ۴۷-۴۶)

وی اندوه و افسوس خود را به خاطر تغییراتی که در کشور «کاووس کیانی» (مظهر قدرت) رخ داده است، بیان می دارد و در ادامه، از رمز و نماد در اشعارش بهره می برد و معتقد است که «زاغ» و «زغن» بر جای «بلبل» تکیه زده اند. بلبل «در سراسر جهان به زیبایی آواز مشهور است. این پرنده که تمام شاعران آن را رامشگر عشق می خوانند، تمام احساسات را جان می بخشد و در ارتباط نزدیک با عشق و مرگ است» (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۰۴-۱۰۳) و «زاغ اغلب به عنوان صفت آدم پرحرف و دزد به کار می رود که این دو صفت دقیقاً از رفتار این پرنده ناشی می شود. همچنین نمادی از شومی است و دیدن آن، علامت نحوست است» (شوالیه و دیگران، ۱۳۸۸، ج ۳: ۴۲۸-۴۲۷).

ای دل غافل بر احوال وطن خون گریه کن
ای دریغا! دستخوش شد کشور کاوس کی
خیز ای غافل، به این دشت و دمن خون گریه کن
آه و واویلا که عمر مملکت گردید طی
جای رطل جام می غولان نهادستند پی
جای بلبل تکیه زد زاغ و زغن، خون گریه کن
(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۶۶-۱۶۵)

شاعر مصری، احمد رامی، نیز در اشعارش عشق خود به وطن را بسیار زیبا آشکار می کند. او در قصیده مشهور «صوت الوطن» اذعان می دارد که مصر همواره در ذهن و زبانش جاری است و زیر سایه اش با وجود درد و رنج، با احترام و عزت زندگی می کند و مصر را منزلگاهی برای آرامش و امنیت خود می داند:

مِصرُ التی فی خَاطِری وَ فی فِی
بِأَیَّتِ کُلِّ مُؤْمِنٍ بِعِزِّهَا
أُحِبُّهَا مِنْ کُلِّ رُوحِی وَ دَمِی
مِنْ مِینَکُمْ یُحِبُّهَا حَبِی لَهَا
بِیَسِی الحَمِی وَ الوَطَنِ

نُجِبَهَا مِنْ رُوحِنَا وَ نَفْتَدِيهَا بِالْعَزِيزِ الْاَكْرَامِ
يَا مِصْرُ يَا مَهْدَ الرِّخَاءِ يَا مَنْزِلَ الرُّوحِ الْاَمِينِ
(رامی، ۲۰۱۰: ۲۰۵)

ترجمه: مصری که در ذهن و زبانم است، آن را با تمام وجودم دوست می‌دارم. ای کاش، هر شخص مؤمنی به‌وسیله آن عزت می‌یافت و به آن عشق می‌ورزید. ای فرزند باغیرت! وطن مال شماست، آن را مانند من دوست بدارید. آن را با تمام وجود دوست می‌داریم و با عزت و احترام، جان خویش را برایش فدا می‌کنیم. ای مصر، ای گهواره آرامش و آسایش! ای منزلگاه جبرئیل!

۲-۴-۲. آزادی‌خواهی

آزادی و آزادی‌خواهی به‌معنای واقعی خود، در دوره مشروطه رشد و نمو گرفت و سبب شد که از چارچوب نظام مستبد قاجار خارج گردد. « ادبیات دوره مشروطه، ادبیاتی است که در تلاش و تکاپوی ملت ایران برای نیل به حکومت قانون و بریدن از حکومت استبداد منعکس شده است. می‌توان گفت که ظهور این نوع ادبیات، مقارن با ایده آزادی به مفهوم اروپایی آن بود» (آژند، ۱۳۶۳: ۳۳۳). در نظام‌های مستبد و خودکامه و بیدادگر، خفه کردن فریادها و اعتراض‌ها در گلو و نیز جلوگیری از آزادی تفکر و عمل، یک قانون نانوشته است: «در یک چنین نظام‌هایی شکنجه، زندان، خفه کردن فریادها در گلو، تبعید و ترور، قانون است» (سنگری، ۱۳۷۷: ۳۹). شاعر گاهی این مضمون را آشکارا به شعر آورده است و گاهی از نماد و رمز بهره برده است. نسیم شمال نیز فشار و محدودیت حاکم را به اشکال گوناگون به تصویر کشیده است. او گاهی نبودن آزادی در جامعه را در قالب یک گفت‌وگوی خیالی چنین بیان کرده است:

دست مزن، چشم بیستم دو دست راه مرو، چشم دو پایم شکست
حرف مزن، قطع نمودم سخن نطق مکن، چشم بیستم دهن
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲۱)

گاهی نیز به‌خاطر خشم، ناراحتی و دلتنگی از اوضاع آشفته و قیدوبندهای حاکم بر قلم‌ها و ترس از عواقب ناشی از بیان واقعیت تلخ وطن و تهدیدهایی که متوجه اوست، چنین داد سخن داده است:

ز بخت خویش نالانم، نمی‌دانم چه بنویسم
از این اوضاع حیرانم، نمی‌دانم چه بنویسم
قلم در دست بگرفتم، نویسم از وطن شرحی
مثال بید لرزانم، نمی‌دانم چه بنویسم
برای یوسف گلچهر در بازار پُروحشت
اسیر چنگ گرگانم، نمی‌دانم چه بنویسم
(حسینی، ۱۳۶۵: ۹۶)

در جای دیگر، از قلم که نمادی برای آزادی است، آشکارا می‌خواهد که همانند حضرت یوسف(ع) در کنج زندان و مانند یعقوب(ع) در بیت‌الاحزان، صبر پیشه کند و چیزی نگوید؛ زیرا در کشوری که آزادی نیست، قلم جایگاهی ندارد و فریادی که از حلقوم او برمی‌خیزد، هیچ‌گوشی را نمی‌نوازد:

ای قلم تا می‌توانی در قلمدان صبر کن
یوسف آسا سال‌ها در کنج زندان صبر کن

همچو یعقوب حزین در بیت‌الأحزان صبر کن
کور شو، بیرون نیا از شهر کنعان ای قلم!
نیستی آزاد در ایران ویران ای قلم!
(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۶۱)

او وقتی حاکمیت زور و نادیده گرفتن حق بیان را فراگیر می‌بیند، از افراد می‌خواهد که از اوضاع شکایت نکنند، یادی از پادشاهان پرافتخار گذشته نمایند، سخنی در انتقاد از بزرگان نگویند و تمجیدی از وطن بر زبان نیاورند. برای این منظور، از نماد «الولو» بهره می‌برد:

بچه جون داد مکن الولو میاد	داد و فریاد مکن، الولو میاد
خفه شو، الولو میاد می‌بردت	در لب آب روان می‌دردت
لقمه لقمه سر پا می خوردت	از وطن یاد مکن، الولو میاد
بچه جون داد مکن، الولو میاد	
از بزرگان همه تنقید مکن	یاد از رستم و جمشید مکن
از وطن این همه تمجید مکن	وصف اجداد مکن، الولو میاد
بچه جون داد مکن، الولو میاد	(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۰۷-۱۰۶)

احمد رامی نیز با اشاره به رود نیل که تاریخی چندهزارساله را در کارنامه خود دارد، آن را به‌عنوان نمادی از امید، زندگی و آزادی در تاریخ گذشته سرزمینش معرفی می‌نماید و ضمن افتخار به آن، معتقد است که نیل همیشه در تمام دوران‌ها در برابر سرکشان و ظالمان ایستاده و با آن‌ها مبارزه نموده است. رامی در قصیده «صوت الوطن» می‌گوید:

دَعَا إِلَى حَقِّ الْحَيَاةِ	لِكُلِّ مِّنْ فِي أَرْضِهَا
وَتَارَفِ فِي وَجْهِ الظُّغَاءِ	مُنَادِيًا بِحَقِّهَا
وَقَالَ فِي تَارِيخِهِ الْمَجِيدِ	يَا دَوْلَةَ الظُّلْمِ انْمَجِي وَبِيدِي

(رامی، ۲۰۱۰: ۲۰۶)

ترجمه: رود نیل به‌درستی در هر جایی که باشد، به زندگی و امید فراخواند و در حالی که خواستار حقش بود، در برابر سرکشان انقلابی پروا کرد و در تاریخ نیکش گفت: ای دولت ستم، نابود و ویران شو.

۳-۴-۲. امید به آینده روشن

امید و امیدواری عامل محرکی برای نیل به آمل و اهداف عالی انسانی است. امید به پیروزی و آینده‌ای روشن، یکی از راه‌های نجات در هر دوره زمانی برای انسان است و درحقیقت امید، روزنه‌ای برای زنده‌نگه‌داشتن آدمی نیز محسوب می‌شود. شاعر در پس ابرهای تیره یأس و سرخوردگی که آسمان چشمان مردم ستم‌دیده و جورکشیده را فراگرفته است، به روشنایی افق فردا نظر دارد و با نویددادن به آینده روشن، شعله‌های امید را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد. اصولاً شعر انقلابی به آینده خوش‌بین است؛ زیرا انقلابی‌گری تلاش برای تغییر وضع موجود به وضع مطلوب است (النقاش، ۱۹۷۲م: ۳۴). از این رو، آینده بخشی از شعر شاعر است (بسیسو، ۱۹۸۸م: مقدمه). نسیم شمال نیز درباره افتتاح مجلس سوم (شعبان ۱۳۳۲ق) که پس از سال‌ها تلاش و مبارزه فراوان حاصل شده، با بهره‌گیری از تخلص خود، امید را در دل مردم زنده می‌کند:

می‌شود دنیا به کام اهل ایران، ای نسیم!
می‌نماید شادکامی هر مسلمان، ای نسیم!
آفتاب معرفت گردد درخشان، ای نسیم!
نورباران می‌شود این شهر تهران، ای نسیم!
(حسینی، ۱۳۶۵: ۲)

در ابیاتی، ضمن تبریک تشکیل مجلس به مردم، امیدوار است که اوضاع شهرهای ایران بهبود یابد:

دارم امید ایران شود خوب قزوین شود خوب، زنجان شود خوب
کرمان و یزد و کاشان شود خوب تبریز و رشت و تهران شود خوب
بهر خراسان مجلس مبارک
(حسینی، ۱۳۶۵: ۹)

چنان‌که با بهره‌گیری از شعر سایر شاعران، به‌شیوه دیگری می‌کوشد مردم را به پیروزی نهایی حق بر باطل امیدوار سازد:

هر چند که ما ذلیل گشتیم
در غصه و غم علیل گشتیم
بی‌صاحب و بی‌وکیل گشتیم
در نومیادی بسی امید است
پایان شب سیه سپید است
(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۵۲)

احمد رامی نیز در قصیده «نشید الجلاء» این‌گونه اذعان می‌دارد که به آینده‌ای روشن برای مصر امیدوار است و همواره مردم را به دفاع از وطن در برابر دشمنان و متجاوزگران تشویق می‌کند و در نهایت، بی‌تردید صبح یقین آشکار می‌شود:

يَا مِصْرُ إِنِّ الْحَقَّ جَاءَ فَاسْتَتَبِلِي فَحَرَّ الرَّجَاءِ
يَا لَيْتُمْ قَدْ تَمَّ الْجَلَاءُ نَلِيتْ غَايَاتِ الْمَنِيِّ
فَكَيْفَ نَرُخِي غَيْرَنَا يَذُودُ عَنِّ بِلَادِنَا
نَحْنُ الْأَلْسِي نَحْمِي الدِّيَارَ نَحْنُ الْأَلْسِي نَرَعِي الْحَوَارَ
وَ كُلِّ مِّنْ عَادِي وَ جَارَ ذَاقَ الْبُرْدِي مِّنْ بَأْسِنَا
عَشْنَا عَلَي بَرْقِ الْوُعُودُ حَتَّى انْقَضَتْ تِلْكَ الْعُهُودُ
ثُمَّ انْطَلَقْنَا فِي الْوُجُودِ نَاراً وَ نُوراً وَ سَنَاءً
مَرَّتْ بِنَا تِلْكَ السَّنُونُ بَيْنَ الْأَمَانِي وَ الظُّنُونِ
حَتَّى انْجَلَى صَبْحَ الْيَمِينِ وَ مِصْرُ قُورَتْ أَعْيَانَا
(رامی، ۲۰۱۰: ۲۱۱)

ترجمه: ای مصر، به‌راستی حق خواهد آمد. پس، از روزنه امید استقبال کن. امروز همه چیز آشکار شد و تو به اهداف آرزوهایت رسیدی. پس چگونه از بیگانگان راضی می‌شویم که از کشورمان حفاظت نکنند. ما همان حمایت‌کنندگان سرزمین، دیار و همسایه‌مان هستیم. دشمنان و همسایه‌مان به‌خاطر ترس از ما مرگ را چشیده‌اند. با نور امیدی که به ما دادند زندگی کردیم، تا اینکه این امیدها تحقق یافت. سپس در وجود ما نور امید و روشنایی روانه شد. از کنار ما آن سال‌هایی که بین آرزوها و گمان‌ها بود، گذشت؛ تا اینکه صبح یقین آشکار شد و مصر، نور چشم ماست.

۴-۲. دعوت به مبارزه

ادب‌پایداری، ادبی بی‌پروا و ستیزه‌جوست که به قیام، ایستادگی و ایثار دعوت می‌کند، گاه در صورت فریاد اعتراض و گاه در پس چهره نبرد مسلحانه. استبداد داخلی و سلب آزادی‌های فردی و اجتماعی از جمله زمینه‌های شکل‌گیری ادبیات‌پایداری است و بذریه اولیه آن را حق‌کشی، مظلوم‌ستیزی و «حوادث ناگواری چون جنگ و نابرابری‌های اقتصادی و نظام‌های سیاسی فاسد» پراکنده‌اند (مصطفوی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۶۹). در شعر زیر، نسیم شمال از جوانان می‌خواهد که به یاری وطن و جنگ با دشمنان آن بشتابند؛ چراکه از هر سو او را محاصره و در بند کشیده‌اند:

می‌رود جان وطن	نونه‌لان وطن	ای جوانان وطن
	موقع دادرسی است روز فریادرسی است	
ای پسرهای خلف	گرد ایران زده صف موقع دادرسی است روز فریادرسی است	دشمن از چهار طرف
تا به کی این خفقان؟	شو سوی جنگ روان موقع دادرسی است روز فریادرسی است (حسینی، ۱۳۶۵: ۹۳-۹۲)	خیز ای تازه جوان

او وقتی می‌بیند دشمن با رخنه کردن به کشور، به مانند لقمه‌ای شیرین بدان طمع بسته است (حسینی، ۱۳۶۵: ۱۶۴) و دین و ملیت آن‌ها را در معرض تهدید قرار داده است، از جوانان می‌خواهد که از خواب غفلت برخیزند و به زندگی ذلت‌بار تن ندهند. سپس با برانگیختن غیرت دینی و همت ملی‌شان، آن‌ها را به نبرد با دشمن تشویق می‌کند؛ چراکه او وارد کشور شده است:

ای جوانان وطن، امروز روز همت است
ای هواخواهان دین، امروز روز غیرت است
می‌رود ناموس، آخر این چه خواب غفلت است؟

دشمن بیگانه آمد بر سر بالین ما
ای دریغ! می‌رود هم مملکت، هم دین ما

ای جوانان همتی، این موقع جنگ است، جنگ
زندگی با این مذلت بهر ما ننگ است، ننگ
عرصه بر ما اهل ایران بعد از این تنگ است، تنگ

ز آنکه کافر می‌دهد هم غسل و هم تلقین ما
ای دریغ! می‌رود هم مملکت، هم دین ما

(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۵۱)

احمد رامی نیز همچون سیداشرف‌الدین حسینی، در برابر هیچ کس سکوت نمی‌کند. او مرد عمل است و در برابر دشمنان می‌ایستد و مردم را به مبارزه برای حفاظت و دفاع از وطن دعوت می‌کند. او در قصیده «حب الوطن»، با تحریک حس میهن‌پرستی مصریان، فرزندان ملت را به فداکاری و پاسداری از وطن تشویق می‌کند:

بَنِي الْحَمِي وَالْوَطَنُ	مِنْ مِّنْكُمْ يُحِبُّهَا مِثْلِي أَنَا
نُجِبُهَا مِنْ رُوْحِنَا	وَنَفْتَدِيهَا بِالْعَزِي الْأَكْرَامِ
صُوْنُوا حَمَاهَا وَانصُرُوا مِنْ يَحْتَمِي	وَدَافِعُوا عَنْهَا تَعِشْ وَتَسْلَمْ

(رامی، ۲۰۱۰: ۲۰۶)

ترجمه: ای فرزند باغیرت وطن، وطن مال شماست. آن را مانند من دوست بدارید. آن را با تمام وجود دوست می‌داریم و با عزت و کرامت، جانمان را فدا می‌کنیم. از مرزهایش پاسداری کنید و از کسی که از وطنش پاسداری می‌کند، حمایت کنید و از او دفاع کنید تا زندگی سالم داشته باشید.

غَايَةَ تَجْمَعُ كُلُّ الْمُخْلِصِينَ	لِلْحَمِي وَالْوَطَنِ
إِنَّا وَأَهْلِيْنَا فِدَا	يَا مِصْرَ رَوْحَا وَبَدَنَ
قَدْ بَدَرْنَا حَبَنَا	وَسَقِينَا أَرْضَهُ قَطْرَ جَبِينِ
وَحَرَسْنَا زَرْعَنَا	وَرَعَيْنَاهُ بِعَيْنِ السَّاهِرِينَ
وَحَمِينَا ظَلْنَا	مِنْ أَدَى الْبَاغِي وَكَيْدِ الْخَائِبِينَ

(رامی، ۲۰۱۰: ۲۱۰)

ترجمه: تمام وفاداران و محافظان به کشور برای حمایت از وطن جمع می‌شوند. ای مصر، با تمام وجود، ما و خانواده‌مان فدایت شونیم. ای وطن، دانه را بر ما کاشتی و ما به‌وسیله عرق پیشانی‌مان با زحمت و تلاش آن را آباد کردیم. نگهداری کردیم، کاشتیم و از آن با چشمان بیدار مراقبت کردیم و سایه‌مان آن را از اذیت و آزار تجاوزگران و مکر و حيلة خیانت‌کنندگان حفاظت کرد.

نَحْنُ الْأَلِي نَحْمِي الدِّيَارَ	نَحْنُ الْأَلِي نَرَعِي الْحَوَارَ
وَكُلِّ مِنْ عَادِي وَجَارِ	ذَاقَ الْوَرْدِي مِنْ بَاسِنَا
عَشْنَا عَلَي بَرْقِ الْوَعُودِ	حَتَّى انْقَضَتْ تِلْكَ الْعُهُودَ
ثُمَّ انْطَلَقْنَا فِي الْوَجُودِ	نَاراً وَنُوراً وَسَنّاً
هِيََا احْرَسُوا حُدُودَنَا	بِالزَّاحِفَاتِ فِي السُّهُولِ وَالْهَضَابِ
وَطَوْقُوا بِخَارَتَنَا	بِالسَّابِحَاتِ فَوْقَ أَعْطَافِ الْعُجَابِ
وَرَصَّعُوا سَمَاءَنَا	بِالْمَارِقَاتِ فِي الْفَضَاءِ كَالشَّهَابِ

(رامی، ۲۰۱۰: ۲۱۱)

ترجمه: ما همان حمایت‌کنندگان سرزمین و دیارمان هستیم. دشمنان و همسایگانمان به‌خاطر ترس از ما مرگ را چشیده‌اند. با نور امیدی که به ما دادند، زندگی کردیم تا اینکه این امیدها تحقق یافت. سپس در وجود ما نور امید و روشنایی روانه شد. با خروش، بر تپه و دشت‌و‌دمن بیاید و از مرزهایمان پاسداری کنیم. با شناورهایی بر روی امواج خروشان، دریایمان را محاصره کردند و ستاره‌هایی همانند شهاب‌های دنباله‌دار، آسمان را سنگ‌فرش کردند.

۵-۴-۲. دعوت به اتحاد و وحدت

یکی دیگر از مضامین ادب پایداری، دعوت به اتحاد و همبستگی برای حفظ و پاسداری از وطن است که در اشعار نسیم شمال و احمد رامی به وفور دیده می‌شود؛ زیرا اتحاد یک ملت علیه یک ظالم، سبب سست شدن قدرت و سرنگونی او می‌شود. نسیم شمال در دعوت مسلمانان به اتحاد و پرهیز از تفرقه، از اصولی چون کتاب، قبله، دین و نیز از عالمان دین کمک گرفته است و با هشدار به پرهیز از دشمنی، چاره همبستگی را در بردباری می‌بیند:

میانۀ دو برادر نفاق و کینه ز چیست؟ برای مذهب خود می‌کنیم جانبازی خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند کتاب و قبله و دین خدایکی است، یکی مقلد علم‌ماییم جملگی والله خدا گواست تمامی دروغ می‌گویند	حدیث بصره و بغداد در مدینه ز چیست؟ شویم شهرة آفاق در سرافرازی به حق قسم، سخن بی‌فروغ می‌گویند برادران وطن و دین ما یکی است، یکی رساله در بغل ماست، روز و شب تالله به حق قسم، سخن بی‌فروغ می‌گویند (حسینی، ۱۳۶۵: ۱۱)
--	---

از خصومت اشخاص، وز نفاق دیرینه می‌زند از این تغییر، خلق بر سر و سینه چاره بهر این ملت، غیر بردباری نیست	می‌شود به هر هفته، پایمال کابینه الحدذر از این بحران، الامان از این کینه در جبین این کشتی، نور رستگاری نیست (حسینی، ۱۳۶۵: ۵۶)
---	--

دعوت به اتحاد و همدلی نیز در اشعار احمد رامی، یکی از مؤلفه‌های اصلی ادب پایداری محسوب می‌گردد. در نگاه رامی، مصر مردانی را در خود پروراند که باهم در فداکاری و دفاع از وطن هم‌پیمان شدند و در راه میهن خویش جان سپردند و با شهادت خود، همواره پرچم پیروزی را به اهتزاز در آورده و با تمام وجود، همدل و متحد می‌شوند و وطن خود را با عزت و سربلندی آباد می‌کنند:

رَأَتْ رَجَالاً حَوْلَهَا وَأَرْحَضُوا مِنْ أَجْلِهَا وَحَقَّقُوا فِي ظِلِّهَا إِنَّا رَفَعْنَا الْعَلَمَا ثُمَّ اتَّحَدْنَا حَوْلَهُ نَبِيَّيْ لِمِصْرٍ عِزَّةً وَنَسْأَلُ الْمَوْلَى لَهَا	تَضَامُنُوا عَلَى الْوَلَاءِ وَالْفِدَا أَرْوَاهَهُمْ وَاسْتَعْدَبُوا طَعْمَ الرَّدَى أَمَالٌ مِنْ رَأْحُوا ضَحَايَا شَهْدَا إِلَى السَّمَاءِ مُفْرَدًا مُعْزَزًا مُؤَيَّدًا رُوحًا وَقَلْبًا وَيَدًا وَرَفَعْنَاهُ وَسُودَدَا نَصْرًا عَلَى طَوْلِ الْمَدَى (رامی، ۲۰۱۰: ۲۱۲)
--	---

ترجمه: مصر مردانی را پرورش داده است که بر دوستی و فداکاری با یکدیگر هم‌قسم شدند. روح‌هایشان را ارزانی کردند، طعم مرگ را شیرین پنداشتند. در سایه‌اش، آرزوهای کسانی را که به‌خاطر وطن شهید شدند، محقق ساختند. ما پرچم پیروزی را به‌سوی آسمان، تنها با استواری و قدرت بالا آوردیم؛ سپس با تمام وجود، پیرامونش همدل و متحد شدیم. ما مصر را با عزت و بلندی بنا می‌کنیم و برای یاری کردنش به‌مرور زمان سرپرستی می‌خواهیم.

۶-۴-۲. یادکرد از مبارزان و آزادی‌خواهان

روحیه آزادی و آزادی‌خواهی، یکی از مفاهیمی است که هر انسانی برای آن احترام قائل است و تا اوج فداکاری، از حریم آن پاسداری می‌کند و هرگاه قدرتی در پی آن باشد که این موهبت الهی را از او بازستاند، در برابر او ایستادگی نموده، آن را به‌قیمت جان پاس خواهد داشت. یکی از شاخص‌ترین مضامین ادب پایداری که به‌طور بارزی حس وطن‌دوستی هر دو شاعر را نمایان ساخته، ستایش آزادی‌خواهان و کسانی است که در راه آزادی دست به مبارزه زده‌اند. نسیم شمال در شعر خویش به پایداری، رادمردی و دین‌داری مردم تبریز اشاره نموده، خدا را یار و یاور آنان دانسته است:

ملت تبریز خدا یارتان	دست خدایی کمک کارتان
نام شما در همه بحر و بر	گشت به مردی و هنر مшتمر
درج نمودند به الواح زر	در همه جا نقشه و آثارتان
ملت تبریز خدا یارتان	
ریشه ظلم ز شما کنده شد	نام شما باقی و پاینده شد
دین محمد ز شما زنده شد	احمد مختار نگهدارتان
ملت تبریز خدا یارتان	

(حسینی، ۱۳۶۵: ۱۷۷)

احمد رامی نیز در قصیده «ذکری سعد» از «سعد زغلول»، یکی از برجسته‌ترین رهبران مصر در جریان انقلاب ۱۹۱۹م، در طول تاریخ این کشور، به بزرگی یاد می‌کند و به بیان رشادت‌ها و دلاوری‌هایش پرداخته، از مردم مصر می‌خواهد که به چنین قهرمان و مبارزی افتخار نمایند. او در این قصیده به بیان مرارت‌ها و سختی‌هایی که وی در راه وطن، چه در غربت و تبعید و چه در زندان تحمل نموده است، می‌پردازد و مردم را نیز به یادکردن از او تشویق می‌نماید:

إِن يَغِيبَ عَن مِصْرٍ سَعْدُ	فَهُوَ بِالذِّكْرِ مَقِيمٌ
يَنْصَبُ الْمَاءَ وَيَبْقِي	بَعْدَهُ النَّبْتَ الْكَرِيمُ
خَلْدُوهُ فِي الْأَمَانِي	وَإِذْ كُرُوهُ فِي الْوِلَائِ
وَإِنْدَبُوهُ فِي الْأَغْنِي	أَعَذَّبَ الشَّكْوَى الْبِكَاءَ
أَنْشَدُوا الشَّعْرَ تَنَاءً	فِي سَجَابَه الْعَذَابُ
أَرْسَلُوا السَّمْعَ وَقَاءً	لِلَّذِي لَأَقَى الْعَذَابِ
فِي سَبِيلِ الْوَطَنِ	مِنْ صَنُوفِ الْمِحْنِ
بَيْنَ سِجْنٍ وَاغْتِرَابِ	فِي شَبَابٍ وَشَبَابِ
مَجْدُوهُ فِي الْأَغْنِي	وَلَتَعَشِ ذِكْرِي الزَّعِيمُ

(رامی، ۲۰۱۰: ۲۰۴)

ترجمه: اگر سعد از مصر پنهان شود، پس او همیشه در یادم باقی است. آب می‌ریزد و بعد از او گیاه پُربار باقی می‌ماند. در آرزوها جاودانش کنید. همیشه یادش را زنده کنید و زنده نگه دارید. در سرودها برای او گریه و شیون و زاری کنید؛ چرا که شیرین‌ترین شکایت، گریه کردن است. شعر مدح و ستایش را در خصلت‌های شیرین بسرایید. به‌خاطر فداکاری‌هایش گریه کنید، برای کسی که دیدارش لذت‌بخش است. او انواع درد در راه وطن را تجربه کرد، از جمله زندان و غربت را در جوانی و پیری سپری کرد. در سرودها آن را بزرگ داشتند. با یاد رهبر زندگی کن و هیچ‌گاه او را فراموش نکن.

۳. نتیجه‌گیری

پس از بررسی جلوه‌های ادبیات مقاومت و پایداری در اشعار سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی، نتایج زیر به دست آمد:

۱. هر دو شاعر، واقع‌گرا و متعهد به هویت و اصالت تاریخی مردم و سرزمین خود می‌باشند و حفظ ارزش و کرامت انسانی و رعایت حقوق سیاسی و اجتماعی افراد، دغدغه اصلی آن‌هاست؛ به طوری که اشعارشان به‌مانند سرودهای ملی، سرشار از شور، شوق، عزت، غرور و سربلندی است.
۲. میهن‌پرستی، آزادی‌خواهی، یادکرد از قهرمانان و آزادی‌خواهان ملی، امید به آینده روشن، دعوت به مبارزه و فراخوانی به اتحاد و یکپارچگی، از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادب پایداری در شعر سیداشرف‌الدین حسینی و احمد رامی می‌باشد.
۳. هر دو شاعر با یاری‌جستن از این عناصر می‌کوشند تا فضای مبارزه را برای مخاطبان شعر خویش ملموس ساخته و از این رهگذر، آنان را به پایداری در برابر تمامی عوامل ظلم و استبداد ترغیب و تشویق سازند.
۴. هر دو شاعر بیشتر ملی و درون‌وطنی می‌اندیشند و اغلب، از سیاست‌های داخلی حاکمان و اوضاع آشفته کشور خود گله‌مند و یا حتی معترض‌اند؛ اما گاه نیز از دست اشغالگران غیروطنی و استعمارگر به ستوه آمده، به سرزنش و محکوم کردن دولت‌های استعمارگر می‌پردازند.
۵. با توجه به پژوهش انجام‌شده درخصوص عناصر و مؤلفه‌های ادب پایداری در دیوان اشعار نسیم شمال و احمد رامی، می‌توان این‌گونه استنباط نمود که از میان عناصر ذکرشده در شعر شاعر، بیشترین بسامد مربوط به مؤلفه‌های وطن‌دوستی، آزادی‌خواهی و دعوت به مبارزه است، که خود نمایانگر نفوذ اندیشه‌های ناسیونالیستی در شعر هر دو شاعر می‌باشد.
۶. در موضوع یادکرد از قهرمانان ملی، سیداشرف‌الدین افتخارات ملی و میهنی بیشتری را نسبت به احمد رامی در اشعارش بیان نموده است؛ اما در موضوع دعوت به مبارزه، اشعار فراوان‌تری را می‌توان در دیوان احمد رامی، درخصوص این عنصر ادب پایداری نسبت به نسیم شمال یافت.
۷. هر دو شاعر نسبت به اوضاع جامعه و مسائل جاری کشور ابراز نگرانی شدید نموده و آنان را نکوهش کرده‌اند؛ ولی در انتقاد و شکایت از ظلم و ستم حاکمان و استعمارگران، زبان نسیم شمال تند و از زبان احمد رامی صریح‌تر، گویاتر و گزنده‌تر است؛ همچنین نسیم شمال نسبت به رامی تبحر بیشتری در بهره‌بردن از نمادها در شعر دارد و غالباً پیام‌های شعری خود را برخلاف رامی که با کنایه سخن می‌گوید، به‌صراحت بیان نموده است.

فهرست منابع

۱. آژند، ی. (۱۳۶۶). *ادبیات نوین*. تهران: چاپخانه سپهر.
۲. ابن‌شعبه حرانی، ح. (۱۴۰۴). *تحت العقول عن آل الرسول* (ص). قم: جامعه مدرسین.
۳. ابوحاقه، ا. (۱۹۷۹م.). *الالتزام فی الشعر العربی*. ج ۱. بیروت: دارالعلم للملایین.

۴. أحمد فؤاد، ن. (۱۹۸۳م). *قصه الشاعر و أغنيته*. طبع بمطابع دارالمعارف. مصر: مكتبة الاسكندريه.
۵. اسماعيل، ع. (۱۹۶۳م). *التفسير النفسى للأدب*. قاهره: دارالمعارف.
۶. بسيسو، م. (۱۹۸۸م). *الأعمال الشعرية الكاملة*. بيروت: دارالعودة.
۷. حر عاملی، م. (بی تا). *امل الآمل*. بغداد: مكتبة اندلس.
۸. حسام‌پور، س؛ حاجبی، ا. (۱۳۸۷). *سهم ادبیات پایداری در کتاب‌های درسی. نامه پایداری*. به کوشش احمدامیری خراسانی. تهران: بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۹. حسینی، س. ا. (نسیم شمال) (۱۳۶۵). *باغ بهشت*. تهران: مطبوعاتی حسینی.
۱۰. الحسین، ق. (۱۹۷۲م). *الموت و الحياة فی شعر المقاومة*. ج ۱. دارالرائد العربی.
۱۱. رامی، ا. (۲۰۱۰م). *الأعمال الشعرية الكاملة*. بيروت: دارالعودة.
۱۲. روزبه، م. ر. (۱۳۸۱). *ادبیات معاصر ایران (شعر)*. تهران: روزگار.
۱۳. زرین کوب، ع. (۱۳۷۵). *آشنایی با نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
۱۴. سارتر، ژ. (۱۳۴۸). *ادبیات چیست؟*. ترجمه ابوالحسن نجفی. تهران: کتاب زمان.
۱۵. شمس لنگرودی، م. (۱۳۷۰). *تاریخ تحلیلی شعر نو*. تهران: مرکز.
۱۶. شوالیه، ژ. و دیگران (۱۳۸۸). *فرهنگ نمادها و اساطیر*. ترجمه سودابه فضائلی. ج ۳. تهران: انتشارات جیحون.
۱۷. ضیف، ش. (۱۳۸۸). *البحث الأدبی: مناهجه و مصادره*. تحقیق بتول مشکین‌فام. تهران: سمت.
۱۸. علی‌بابایی، د. (۱۳۸۴). *جامعه، فرهنگ و سیاست در اشعار سیداشرف‌الدین گیلانی*. تهران: امید فردا.
۱۹. فخرایی، ا. (۱۳۵۶). *گیلان در جنبش مشروطیت*. تهران: جاویدان.
۲۰. مجلسی، م. ب. (۱۴۰۴ق). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۱. محمدخانی، ع. (۱۳۸۴). *شاعر مردم (یادنامه نسیم شمال)*. ج ۱. تهران: سخن.
۲۲. النقاش، ر. (۱۹۷۲م). *محمود درویش، شاعر الأرض المحتلة*. بیروت: المؤسسة العربية للدراسات والنشر.

۲۳. نجفی، ا. (۱۳۵۶). *وظیفه ادبیات*. تهران: کتاب زمان.
۲۴. بصیری، ص. (۱۳۸۴). طرح و توضیح چند سؤال درباره مبانی ادبیات پایداری. *نشریه ادبیات پایداری*، ۱(۱).
۲۵. حسونند، ص. (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر فرخی یزدی و عبدالرحمن یوسف. *کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی فارسی)*، دانشگاه رازی کرمانشاه، ۵(۱۸)، ۷۱-۹۷.
۲۶. حسینی کازرونی، س.ا. (۱۳۸۹). سبک و سیاق شعر مشروطه. *فصلنامه تحقیقات تمثیلی ادبیات فارسی دانشگاه آزاد بوشهر*، ۲(۱)، ۱۱۵-۱۳۶.
۲۷. سنگری، م. (۱۳۷۷). ادبیات پایداری (مقاومت). *نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)*، ۳(۹). تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
۲۸. شیخلووند، ف. (۱۳۸۴). بررسی شعر سید اشرف‌الدین حسینی، شاعر مردم. در: *یادنامه اشرف‌الدین حسینی*. به اهتمام علی اصغر محمدخانی. تهران: سخن. ۳۵۴-۳۶۱.
۲۹. کریمی لاریمی، ر. (۱۳۸۹). سیر تحلیلی ادبیات پایداری از گذشته تا کنون. در: *مجموعه مقالات اولین کنگره فرهنگ عاشورایی و ادبیات پایداری*. قم: یاس نبی. ۲۲۹-۲۳۰.
۳۰. محسنی‌نیا، ن. (۱۳۸۸، پاییز). مبانی ادبیات مقاومت معاصر ایران و عرب. *نشریه ادبیات پایداری کرمان*، ۱(۱)، ۱۵۸-۱۴۳.
۳۱. مصطفوی‌نیا، س.م. و دیگران (۱۳۹۰). مقاومت در شعر توفیق امین زیاد. *نشریه ادبیات پایداری کرمان*، ۲(۳ و ۴)، ۵۸۸-۵۶۵.
۳۲. میرقادری، س.ف. و کیانی، ح. (۱۳۹۰). کرامت نفس در آینه شعر شهید علی فوده، شاعر پایداری فلسطین. *نشریه ادبیات پایداری کرمان*، ۲(۴)، ۶۴۳-۶۱۱.